

پیرامون نوشته «تشنج بین افغانستان و پاکستان»

نوشته دوست و برادر عزیز آقای جلیل غنی هروی «تشنج بین افغانستان و پاکستان» را خواندم . همیشه ازین قلم مطالب نیک و پر محتوی پخش میگردد . خواستم پیرامون این نوشته شان مطلبی اضافه نمایم . هر چند در رسانه های گروهی خصوصاً نوشتاری رسم و رواج شده است تا یک نوشته پخش میگردد چندین قلم متحرک و مقالات متنوع پیرامون آن نوشته میشود در بخش معلوماتی و اصلاح مطلب کار بدی نیست که اسناد ، شواهد و معلومات مؤثق پخش گردد اما اینکه قلم فرسایان ما تعرض شخصی مینمایند و با کلمات زنده و توهین آمیز نویسنده را به شکلی از اشکال ترور شخصیت میکنند قابل پذیرش نبوده و امیدوارم دروازه بخش توهین و تعرض شخصی برای همیش مسدود گردد . نوشته من با لطف ، محبت و احترام به آقای جلیل غنی آغاز و ختم خواهد شد . امید است رسم و رواج های توهین و ترور نویسندگی تغییر و نوشته های ما بر اساس ادب و احترام به دیگران با حفظ اختلافات نظر زیب چاپ یابد .

موضوع تشنج پاکستان با افغانستان و سابقه تاریخی آن خصوصاً بیان خط دیورند بسیار مهم و اساسی میباشد و آرزو دارم علما ، دانشمندان و قلم بدستان ما بدون تعرض و توهین به یکدیگر روی این مطلب مهم با اسناد و شواهد چراغی سر راه مردم ما گردند.

نوشته من همچنان که در بخش اول یادآور شدم « خواستم پیرامون این نوشته شان مطلبی اضافه نمایم » یاد شما اگر باشد آهنگ محلی در سرزمین ما با شعر دلنشین با با ظاهر همیشه زمزمه میشد .

اگر دردم یکی بودی چه بودی

وگر غم اندکی بودی چه بودی

درد و یا مشکل افغانستان اگر یکی میبود تداوی و یا رفع مشکل نسبی آسانتر میسر میشد متأسفانه که امراض و مشکلات افغانستان دامنه وسیع دارد شاید هم برای همین تداوی امراض و رفع مشکلات اگر امکان داشته باشد دوا مدار خواهد بود. در پهلوی مشکل افغانستان و پاکستان که محترم آقای غنی یاد کردند واقعاً با ایشان موافقم با این اضافه که شاید مهمترین آن معضله خط دیورند باشد. پاکستان به همه چال های این بازی شطرنج که به کشتار مردم بی گناه ما تمام میشود دوام خواهد داد تا روزی به آن پیروزی و موفقیت بزرگ برای پاکستان یعنی قبول خط دیورند از طرف افغانستان برسد . باور من درین است همچنان که امنیت و آرامش یک خانه بر دیوار ها و دروازه های مستحکم آن ارتباط دارد امنیت ، تمامیت ارضی ، مصونیت ملی و آرامش مردم یک مملکت نیز به مرزهای مستحکم آن مربوط میشود . امروز متأسفانه که افغانستان از چندین طرف بی دروازه و سرحد مستحکم میباشد و از هر دیاری با اسلحه ، جاکت انتحاری و مواد منفجره ، خائن و جاسوس داخل افغانستان میشوند و هرچه دل شان خواست انجام میدهند و ازین طرف مواد مخدر که متأسفانه افغانستان مقام دوم و یا سوم را درجهان دارد به آن طرف مرزها و در سراسر جهان پخش میگردد . مواد که اگر روزی قانونمدانه زرع و جمع آوری شود و بجای مواد مخدر ، ادویه برای تداوی مریضان آماده گردد شاید ما در جهان مقام بلندی درین راستا کسب نماییم و از عایدات اقتصادی آن مشکلات خود را رفع گردانیم. بلی دوست عزیز خط دیورند بسیار مهم است این مشکل بزرگ را وقتی میتوانیم حل نماییم که قدرتمند باشیم فعلاً که افغانستان یک شیر زخمی است و هر کرگسی در تلاش که خون ، گوشت ، پوست و استخوانش را بخورد اگر داخل مذاکرات با پاکستان شویم از یک مقام و موقعیت ضعیف خواهد بود و به نفع پاکستان تمام میشود . من امیدوارم افغانستان انشاءالله دوباره به پای ایستاده میشود و ما از یک مقام قوی با سیاستمداران با تجربه منحیث یک طرف مساوی با پاکستان داخل مذاکره گردیده و نتیجه و یا حل موضوع دیورند به شکلی از اشکال به نفع افغانستان و پاکستان خواهد بود. شما یاد نمودید که افغانستان محاط به خشکه میباشد و واقعاً فعلاً حقیقت چنین است اما امید آرزو داریم که افغانستان

همچنان که حشش میباید و روزگاری میگویند سردار محمد داود خان نیز چنین گفته بود راه به آب بحر پیدا نماییم و دیگر افغانستان محاط به خشکه یاد نگردهد.

گفته آمد که «اگر دردم یکی بودی چه بودی» درد ها و مشکلات افغانستان بسیار زیاد است. مشت نمونه خروار به چند مشکل بزرگ اشاره میگردد. اما پیش از آن شاید با من موافق باشید که مشکلات ما با همسایه ها و دست های تجاوزگر دور و نزدیک ضربات محکم بر افغانستان گوییده است. رابطه حسنه و احترام متقابل بین افغانستان و همسایه ها به نفع همه خواهد بود. جنگ و مخاصمت با همسایه زهر تلخیصست که کام همه را آزرده می سازد. امید میگردد تا رابطه ها حسنه و نیک گردد. بر میگردیم به بیان مشکلات افغانستان، از مشکل افغانستان و پاکستان در نوشته دوست عزیز جلیل غنی و دیگر نویسندگان به مراتب یاد شده است تکرار نمیکنم از مشکلات دیگر یاد آوری میگردد.

اول: مشکلات افغانستان با ایران: شاید مشکلات افغانستان و پاکستان بنا بر ظواهر اعمال فرستاده های پاکستان واضح و آشکار باشد که در فوق مشکلات قرار دارد اما مشکلات افغانستان و ایران نیز به همان پیمانه، ولی زیربنائی و خفیه میباید. خطر کلی اینست که اگر امروز به این مشکل توجه نگردهد فردا شاید این از مشکل پاکستان بزرگتر گردد. فقط به یک موضوع که رسانه های گروهی درین روزها از آن یاد میکنند روشنی می اندازم. هر چند سر شما به درد می آید اجازه دهید راپور بی بی سی را آنچنان که روز 27 جون 2016 پخش شده است خدمت تقدیم گردد. «دولت افغانستان دریافت نامه ای از مخالفان دولت سوریه را تأیید کرده و گفته است که تلاش دارد از طریق کانال های دیپلماتیک و وزارت مهاجرین افغانستان این مسئله را بررسی کند. یک شبکه تلوزیونی خصوصی در افغانستان ادعا کرده که در این نامه از دولت افغانستان خواسته شده که مانع ورود شهروندانش به جنگ سوریه شود. در این نامه آمده است که بیش از هشت هزار شهروند افغانستان از سوی ایران به جنگ سوریه فرستاده شده اند. بنابراین گزارش، هیثم المالح، رئیس کمیته قانونی ائتلاف ملی نیروهای انقلابی سوریه، در این نامه نوشته است: «ملیته های افغانی در سال 2012 از سوی ایران و با انگیزه مذهبی وارد کارزار سوریه شده اند.» همچنین در آن ادعا شده که شهروندان افغانستان در جنگ سوریه «به گونه بی رحمانه» به کشتار مردم و جنایت های جنگی دست می زنند. بی بی سی فارسی اخیراً شواهدی از اعزام هزاران پناهجوی افغان به جنگ سوریه را به دست آورده بود که نشان می داد سپاه پاسداران ایران، مردان افغان را برای جنگ در کنار نیروهای بشار اسد، رئیس جمهوری به سوریه می فرستد. جنگجویان افغان اکثراً از میان پناهجویان محروم و آسیب پذیر داخل ایران جذب می شوند. وزارت خارجه ایران موضوع اعزام مردان افغان به جنگ سوریه را همواره تکذیب کرده و تنها در یک مورد مقامات ایرانی گفته اند که نیروهای افغان داوطلبانه و برای دفاع از اماکن مقدس به سوریه فرستاده می شوند»

در راپور دیگری که بی بی سی و رسانه های گروهی افغانستان پخش کردند چنین میخوانیم «وزارت امور خارجه از حضور شهروندان کشور در جنگ سوریه نگران است. سخنگوی وزارت امور خارجه تأیید می کند که برخی از شهروندان کشور در نتیجه تهدید یا تطمیع نهادهای حکومتی و غیر حکومتی کشور میزبان، برای جنگ به سوریه رفته اند، و وزارت خارجه این موضوع را با کمیساری سازمان ملل در امور پناهجویان در میان گذاشته است. احمدشکیب مستغنی، سخنگوی وزارت امور خارجه می گوید: «دولت جمهوری اسلامی افغانستان با جدیت این مسئله را از راه های دیپلماتیک برای تغییر این وضعیت اقدام کرده است و برای جلوگیری از این وضعیت افزون بر حفظ و رعایت حقوق مهاجرین، دولت با کمیساری عالی سازمان ملل متحد در این باره تماس گرفته است و با آنها کار می کند تا این مشکل حل شود.»

در همین حال، برخی از نشریه های چاپ تهران گزارش داده اند که ده ها هزار شهروند افغانستان در سوریه با مخالفان بشار اسد در نبرد هستند. این نخستین بار است که هفته نامه «رمز عبور» چاپ تهران، که وابسته به محافظه کاران ایران است می نویسد که شمار این جنگجویان به 12 تا 14 هزار تن می رسد. در بخشی از این گزارش از زبان محمدحسن حسینی که از فرماندهان جنگجوی افغان در

سوریه که چندی پیش در حومه حمص سوریه کشته شد، نوشته است که هر جنگجو روزانه ۵۰ دالر خرج شخصی دریافت می‌کند و به خانواده‌اش نیز ماهانه ۴۰۰ دالر داده می‌شود. سپاه پاسداران ایران نیز به خانواده‌های این جنگجویان خانه و امکانات دیگر فراهم می‌سازند. برخی از این جنگجویان افغان که در سوریه کشته می‌شوند حتی جسد‌هایشان هم به خانواده‌هایشان نمی‌رسد. برای مادری که یگانه پسرش، مهدی را، در جنگ با مخالفان بشار اسد کشته شد، نیز تنها لباس‌های فرزندش را آورده‌اند. حدود سه سال پیش شماری از شهروندان کشور از ایران به سوریه رفتند و به پشتیبانی از حکومت بشار اسد در برابر مخالفان وی جنگ را آغاز کرده‌اند. برخی از این شهروندان کشور می‌گویند که برای دفاع از حرم زینب کبری، فرزند حضرت علی، امام اول شیعیان، به سوریه می‌روند. یافته‌ها نشان می‌دهند که افغانان بیشتر در خطوط نخست جنگ استند و حتی گزارش‌هایی نیز پخش شده‌اند که هرگاه ایرانی، عراقی یا لبنانی از سوی گروه‌های دیگر اسیر گرفته شود، با سربازان دیگر مبادله می‌شوند، اما جنگجویان افغان مبادله نمی‌شوند.»

در پهلوی آن اعدام‌ها و زندانی نمودن‌های مهاجرین افغان و ده‌ها موضوع دیگر در ایران مشکلات بزرگی را خلق نموده است. پیرامون مشکلات افغانستان و ایران این مشت نمونه خروا است که امیدوارم قلم بدستان ما این نوشته را تکمیل نمایند دولت افغانستان با سعی و کوشش، هوشیاری و بیداری مشکلات افغانستان و ایران را امروز حل کند. بدون شک ستون پنجم و یا ششم جاسوسان و نوکران حکومت و یا حلقه‌های گروپ‌های سیاسی و عقیدتی ایران مثل پاکستان در مقام‌های بلند دولتی و حلقه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی افغانستان وجود دارند. اگر امراض کشنده تعصبات و تفرقه اندازی‌های مذهبی امروز در ریشه خنثا نگردد فردا درد سر بزرگتر و خونینی متوجه افغانستان خواهد بود. ایران و افغانستان که رابطه بسیار مستحکم دینی، فرهنگی، تاریخی و زبانی با هم دارند امیدوارم برای همیشه رابطه حسنه و احترام متقابل به یکدیگر را چنان مستحکم و حفظ نمایند که سمبل و نمونه دو همسایه خوب در جهان گردند.

دوم: مشکل فساد اداری: فساد اداری یکی از بزرگترین معضلات داخلی افغانستان می‌باشد. فساد اداری را تنها در رشوت خوردن خلاصه کرده‌اند که درین جرم رشوت دهنده و رشوت گیرنده هر دو شریک و مفسد می‌باشند. فساد اداری وحدت ملی و تمامیت ارضی ما را به خطر مواجه می‌سازد. امیدواریم دولت درین راستا از حقیقت و جدیت استفاده نموده و روش مجازات و مکافات را به شکل حقیقی آن عملی نماید تا مفسدین به جزای اعمالشان رسیده و دامن افغانستان ازین لکه‌های ننگ پاک گردد. یادم می‌آید با یکی از مشاورین ارشد رئیس جمهور افغانستان روزی در یک مهمانی در امریکا صحبتی میسر گردید. در همانجا ضرب المثل مشهور افغانستان را استعمال نمودم. «یا تخت یا تابوت» حکومت اگر در مبارزه با فساد اداری جدی و صادق می‌باشد باید ترس و دلهره شکست را از پالسی خود دور نموده و مجازات را برای مفسدین از ارگ، وزرا، والی‌ها، رؤسا محاکم، قومندانان و دستگیر شده‌های مسلح در جنگ‌ها همچنان مافیای قدرت به هر سطحی که هستند به شکل دوامدار آغاز نماید. آنگاه نیت حکومت واضح می‌گردد که در از بین بردن فساد جدی و صادق می‌باشد. ولی به شکلی که امروز نمایشی شخصی زندانی و یا اعدام می‌گردد و با اعلانات دوسیه مفسدین این اداره و یا آن اداره به سارنوالی و محاکم سپرده شد بر علاوه اینکه دردی را دوا نمیکند شرایط فساد بیشتر را برای رشوت خوران آماده می‌سازد.

سوم: ستون پنجم: هر چند ستون پنجم مشهور شده است اما ستون‌های ششم و هفتم نیز موجود است. ستون پنجم در حقیقت جاسوسان، نوکران و دست‌نشانده‌های کشور‌های بیگانه همچنان متعصبین قومی، مذهبی، زبانی و منطوقی می‌باشند که چون مار‌های زهر دار در آستین دولت و مردم افغانستان داخل گردیده و هر روز نیش می‌زنند و زهر خود را میریزند. این مار‌های داخل آستین از داخل ارگ و مقام‌های بلندرتبه دولتی، احزاب و گروپ‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی شروع و تا دفاتر پائین و کوچه و بازار میرسد. خطر و مشکلاتی که ستون پنجم ایجاد میکند از خطر مخالفان مسلح بزرگتر است. این ستون پنجم است که موثر‌های پر از مواد منفجره و انتحاری را تا دیوار عمارت محافظین بلندرتبه و دفتر قومندان امنیه کابل و مقام رئیس شورای صلح میرساند. اینکه بخش‌های از افغانستان با

قراردادها به مخالفین مسلح سپرده میشود همانا فعالیت ستون پنجم میباشد . به یک نمونه خیانت اعضای ستون پنجم که به تاریخ 25 جون 2016 اتفاق افتاد اشاره میشود . باید یاد آور گردم که قوای نظامی ، پولیس ملی و امنیت ملی افغانستان شجاع ترین ، جان نثارترین ومدافع ترین قوای مدافع وطن ومردم در روی زمین میباشدند و من به وجود همه سربازان وطن دوست وجان نثار افتخار مینمایم . اما دربین این قوای سربركف مكروب های ستون پنجم جای گرفته اند که هر روز زهر خود را میریزند باز هم راپور بی بی سی آنطور که به تاریخ 27 جون 2016 نوشته شده است خدمت شما تقدیم میگردد . «تحویل پرونده فرمانده پلیس میدان وردک به دادستانی افغانستان تایید شد . دفتر ریاست جمهوری افغانستان تایید کرده که پرونده خلیل اندرابی، فرمانده پلیس میدان وردک در جنوب کابل به دادستانی فرستاده شده است. آقای اندرابی متهم است که خودرو پلیس را در اختیار یک فرمانده طالبان قرار داده است. محمد هارون چغانسوری، سخنگوی رئیس جمهوری امروز (شنبه، ۵ سرطان) در یک نشست خبری در کابل گفت که پرونده آقای اندرابی به مراحل آخری تحقیق رسیده است. وزارت داخله افغانستان نیز اعلام کرده بود که استفاده از خودرو پلیس در انتقال یک فرمانده طالبان را با جدیت پیگیری می‌کند.

نیروهای امنیتی افغانستان یک هفته قبل از امروز اعلام کرده بودند که قاری ظاهر، مسئول نظامی طالبان در ولایت بغلان را که در یک خودرو پلیس مربوط به فرمانده پلیس میدان وردک به کابل انتقال داده می‌شد، در منطقه خنجان ولایت بغلان بازداشت کردند. به گفته وزارت داخله افغانستان، قاری ظاهر در طراحی و سازماندهی «حملات تروریستی» در ولایت بغلان سهم فعال داشته است»
با ارتباط به موضوع ستون پنجم به تاریخ پنجشنبه 30 جون 2016 دو حمله کننده انتحاری ۵ بس دانش آموخته‌گان اکادمی پولیس را که از مرکز آموزشی در ولایت میدان وردک عازم کابل بودند، در مسیر راه هدف حمله قرار دادند و 32 پولیس جوان کشته و 79 نفر زخمی شدند .

مجتبی پتنگ وزیر پیشین وزارت داخله این حمله را سازمان یافته و غفلت مسؤلان را جرم نابخشودنی و دست داشتن نفوذی های هراس افگان و ستون پنجم را در این حمله بعید نمی داند .
مجتبی پتنگ وزیر داخله پیشین گفت: «در این حمله زمان به خرچ داده شده و در این دشمن کار کرده است، ممکن در داخل پرسونل یا در داخل نیروهای امنیتی، نفوذی دشمن وجود داشته باشد، مکمل پلان را داده برایشان که چی وقت حرکت می کنند، چند بجه حرکت می کنند، چی تعداد پرسونل است، و یک طعمه بزرگ را در دهن دشمن انداخته شده.»

امراالله صالح رئیس پیشین امنیت ملی میگوید : «کاری را که این مسؤلان انجام دادند که اینان را در روز روشن انتقال دادند از نظر من از آن جمله غفلت های وظیفه یی است که تا حد جنایت میتوان بالایش اسم گذاشت اینان میتوانستند دو بجه شب حرکت کنند، یک بجه شب حرکت کنند بعد از افطار حرکت کنند وقتی حرکت کنند که جاده ها مطلق خالی باشد.»

عصمت الله زخمی رویداد می گوید: " در دروازه قراول دو سه نفر شخصی بود یک قوماندان بود آنان را نیز در موتر ها بالا کرد، موهای شان دراز دراز بود وحشت ناک بود بعد از کمپنی آن طرف تر موتر اول را هم انتحاری زد و موتر پنجم را هم »

فعالیت های ستون پنجم در مقامهای بلند رتبه افغانستان اظهر من الشمس است . امروز شخصیت های بلند رتبه امنیتی ، نظامی و اداری متهم به ستون پنجم میباشدند . رسانه های گروهی خصوصا بیرون مرزی به وضاحت نامها و خیانت های آنها را بیان میدارند . در افغانستان میگویند : «تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزکان» وقتی این همه اتهام بر بعضی اشخاص وارد است آیا برای حکومت مهم نیست که به اعمال و سوابق آنها غور نماید و یا به اصطلاح قطع الرجال است که همین متهمین را به مقام های مهم و کلیدی باید مقرر کرد.

چهارم : تقسیم کار به اهل یا به اساس شایسته سالاری : کار را به اهل آن سپردن یکی از راه های معقول ومقبول پیشرفت و ترقی میباشد . متأسفانه در وطن عزیز ما افغانستان وظایف و مقامها در بین احزاب ، گروپ ها ، اقوام ، مذاهب و مناطق بطور سهمیه تقسیم میگردد . درین راستا مهم نیست که این شخص لیاقت و اهلیت این مقام را دارد و کار را به شکل احسنی به پیش میبرد بلکه به پیشنهاد

رئیس حزب یا گروه قومی مذهبی تقسیم می‌گردد و آن شخص افراد مورد اعتماد خود را به مقامها مقرر میکند اکثراً اهلیت و شایستگی مطرح نیست . به مراتب تجربه شده است که وقتی شخصی وزیر ،والی ویا رئیس مقرر می‌گردد کوشش میکند که تمام اعضای کلیدی آن دفتر را از تبار خود مقرر کند . این یکی از بدبختی های افغانستان است که ما هنوز یک ملت واحد نشدیم . ای کاش روزی به آن نضج و پختگی برسیم که اگر اکثر وزارت ها به افراد یک قوم ویک مذهب ویا یک منطقه برسد و آن اشخاص اهلیت و شایستگی را داشته باشند هیچ تعرض و انتقادی صورت نگیرد. اما امروز متأسفانه جنگ تقسیم قدرت بر معیار های نا شایسته باعث گردید که وزارت دفاع بعد از دو سال صاحب وزیر شد. تقسیم مقامها و چوکی ها بین ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه پنجاه پنجاه میباشد . همین تقسیم بندی ها باعث گردیده است که معاون رئیس جمهور جنرال دوستم امروز 26 جون 2016 به رسانه های گروهی میگوید . خبر بی بی سی « تکلیف کشیدیم رای آوردیم از ما هم یک – ده تا سفیر باشد از ما یک معاون وزیر دفاع باشد از ما هم یک معاون وزیر داخله باشد»

این بود بخشی از مشکلات و امراض افغانستان که به تداوی ضرورت دارد. دوست و برادر عزیز و گرامی آقای جلیل غنی از نوشته شما یک جهان ممنون و امیدوارم قلم شما همیشه پر بار باشد . خواستم به نوشته شما «تشنج بین افغانستان و پاکستان» علاوه کنم . «اگر دردم یکی بودی چه بودی»